

## مفهوم اخلاق از دیدگاه نوجوانان ایرانی: یک مطالعه پدیدارشناسی

مرضیه ساویز<sup>۱\*</sup>، الهه حجازی<sup>۲</sup>، کیوان صالحی<sup>۳</sup>، غلامعلی افروز<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۰

### چکیده

اخلاق یک سازه چندوجهی است؛ از یکسو سازه‌ای تحولی است و مراحل آن موازی با تحول روانی - اجتماعی است و از سوی دیگر ریشه در ارزش‌های فرهنگی دارد. هدف پژوهش حاضر شناسایی مفهوم اخلاق در میان نوجوانان ایرانی بود. با به کارگیری روش کیفی و با استفاده از طرح پدیدارشناسی، چگونگی مفهوم‌سازی اخلاق از دیدگاه نوجوانان بررسی شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۷۷ نفر (۴۹ دختر، ۲۸ پسر) از بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول منطقه ۴ آموزش و پرورش شهر تهران بودند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش گروه‌های کانونی انجام شد. هفت گروه کانونی در مدارس دخترانه و چهار گروه کانونی در مدارس پسرانه تشکیل شد. پس از انجام تحلیل کیفی مصاحبه‌ها به روش کلایزی مشخص شد نوجوانان ایرانی اخلاق را در هفت مقوله تعریف می‌کنند که عبارت‌اند از: عدالت، مراقبت، عاملیت اخلاقی، حساسیت اخلاقی، مسئولیت اخلاقی، انگیزش اخلاقی و ارزش‌های فردی. هر یک از این مقوله‌ها شامل زیرمقوله‌هایی هستند. دربارهٔ ثبات و نسبی‌گرایی اخلاقی در بین نوجوانان، نوجوانان نسبی‌گرا هستند و اخلاق را وابسته به شرایط بیرونی و فرد مقابل می‌دانند. همچنین در تعریف اخلاق، نوجوانان بین نیت و رفتار اخلاقی تمایز قائل می‌شوند و اخلاق را مجموعه‌ای از نیت‌ها و رفتارها تعریف می‌کنند. بنابراین در این مطالعه مفهوم اخلاق و تعریف آن از دیدگاه نوجوانان ایرانی و در بافت فرهنگی جامعه ایرانی بررسی شد.

**واژگان کلیدی:** اخلاق، عدالت، مراقبت، عاملیت اخلاقی، حساسیت اخلاقی، مسئولیت اخلاقی، انگیزش اخلاقی، ارزش‌های فردی، مفهوم‌سازی اخلاق، نوجوانان ایرانی

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

saviz@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه مشاوره و روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، ایران

۳. استادیار گروه روش‌ها، دانشگاه تهران، ایران

۴. استاد ممتاز گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، ایران

## مقدمه

تعریف اخلاق در روان‌شناسی بحث‌برانگیز بوده است. اخلاق را حوزه گسترده‌ای از اعمال اجتماعی، نیت‌ها، هیجانات و قضاوت‌هایی است که نه تنها به هدف افراد بلکه به چگونگی انجام کارها و فعالیتشان نیز مرتبط است و هرچه مفهوم اخلاق دقیق‌تر باشد بیشتر احتمال می‌رود که وسیله و هدف هر دو از نظر اخلاقی هدایت شوند (دیمون و کولبی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). درک مفهوم اخلاق در گستره زندگی افراد تأثیر فراوانی دارد و تعاملات انسانی تحت تأثیر باورهای اخلاقی افراد شکل می‌گیرد.

روان‌شناسان تحولی‌نگر بر تغییرات مرتبط با سن در مفهوم اخلاق و نگرش اخلاقی افراد تأکید کرده‌اند. آن دسته از روان‌شناسان که به تحولات مرحله‌ای در تحول آدمی معتقدند رویکردهایی را درباره تحول اخلاقی مطرح ساخته‌اند. پیازه در شمار اولین روان‌شناسانی است که مسئله چگونگی تحول اخلاقی را مورد پژوهش قرار داده است. او می‌گوید که تحول اخلاقی، همانند تحول شناختی، طی مراحل صورت می‌گیرد (پیاژه<sup>۲</sup>، ۱۹۳۲). اولین مرحله که سنین ۴ تا ۷ سالگی را در برمی‌گیرد عبارت است از یک شکل بسیار گسترده از تفکر اخلاقی ناهمخوان و متضاد که اخلاقیات منشأ گرفته از خارج نامیده می‌شود و فرد تصور می‌کند که قواعد اخلاقی ثابت و تغییرناپذیرند. اخلاق ناهمخوان یا نشئت گرفته از خارج بعداً به صورت دو مرحله متوالی اخلاقی دیگر بروز می‌کند: همکاری اولیه و همکاری خودمختارانه. در مرحله اخلاق مبتنی بر همکاری اولیه با دیگران، که در سنین ۷ تا ۱۰ سالگی نمود می‌کند، بازی کودکان حالت اجتماعی به خود می‌گیرد و آنان قواعد بازی‌ها را فرامی‌گیرند و بر اساس دانش خود درباره این قواعد بازی می‌کنند. در مرحله سوم، یعنی مرحله اخلاق نشئت گرفته از درون یا اخلاق مبتنی بر همکاری خودمختاران، که در حدود ۱۰ سالگی آغاز می‌شود، کودکان کاملاً می‌فهمند که قواعد رسمی بازی را با موافقت اعضای گروه می‌توان تغییر داد. در همین مرحله است که کودکان می‌فهمند قواعد و قوانینی که بین مردم رواج دارد قابل تغییر است و آنان اگر بخواهند می‌توانند این قوانین را تغییر دهند. از نظر پیازه، خودپیروی اخلاقی و مفهوم تقابل هنگامی رخ می‌دهد که احساس احترام متقابل به حدی برسد که فرد احساس کند باید با دیگران چنان رفتار کند که مایل است

- 
1. Damon & Colby
  2. Piaget

دیگران با او رفتار کنند، یعنی همان اصل اخلاقی که در اخلاق خودپیرو از دیدگاه کانت مطرح شده است. یعنی دست یافتن به شکل عالی تری از تعادل (کدیور، ۱۳۹۵).

پس از پیاژه، کلبرگ نظریه مرحله‌ای را در تحول اخلاقی مطرح کرد. او نیز معتقد است که تحول اخلاقی اساساً نشئت گرفته از استدلال اخلاقی است که طی شش مرحله (از کودکی تا نوجوانی) شکل می‌گیرد. او در طی سال‌ها تحقیق و آزمون و مصاحبه و طراحی ۱۱ داستان که حاوی معماهای اخلاقی است با ارائه این داستان‌ها به کودکان و نوجوانان و طرح چند سؤال درباره هر یک از داستان‌ها به این نتیجه رسید که تحول قضاوت اخلاقی در سه سطح (که هر سطح دارای دو مرحله است) صورت می‌گیرد. در این سطوح، اخلاق از دیدگاه فردی به دیدگاه اجتماعی ارتقا می‌یابد. مطالعات کلبرگ نمونه‌های جالبی از چگونگی مطالعه تحول قضاوت اخلاقی نوجوانان است (کرن‌دال<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴).

کلبرگ به این نتیجه رسید که با تحول فرد از دوره کودکی به دوره نوجوانی استدلال اخلاقی وی از حالت کنترل بیرونی به حالت کنترل درونی شده تغییر پیدا می‌کند. علاوه بر این، درک کودکان و نوجوانان از عدالت در سطوح مختلف فرق می‌کند و بالاترین سطح آن، دست یافتن به حقوق برابر و جهانی برای همه مردم و تحقق ارزش‌های عالی انسانی در زندگی افراد است (کدیور، ۱۳۹۵).

در مورد نظریه کلبرگ باید گفت بررسی‌های بین فرهنگی، در مورد فراگیر بودن مراحل پیشنهادی وی، همخوانی ندارند. اگر برخی تحقیقات او را تأیید می‌کنند، برخی دیگر نشان می‌دهند که مراحل پنجم و ششم، حتی در فرهنگ غرب، به‌ندرت دیده می‌شود، و تأثیرپذیری مراحل از ویژگی‌های فرهنگی بیش از آن است که کلبرگ می‌پندارد. ادوارد (۱۹۸۱؛ به نقل اسپینارد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷) به اتکای تحقیقات تجربی بین فرهنگی که مراحل پنجم و ششم را به‌ندرت تأیید کرده‌اند، معتقد است که نظام‌ها و تشکیلات سیاسی یک جامعه می‌تواند اخلاق فرد را در مسیرهایی بیندازد که از طریق هنجارهای جامعه برای حل مسائل اخلاقی تغذیه می‌شوند. این بررسی‌ها نقش فرهنگ را در تحول اخلاقی به‌وضوح مشخص می‌سازند.

1. Crandall
2. Spinrad

یکی از همکاران کلبرگ به نام گیلیگان<sup>۱</sup>، بر این باور است که تأکید نظر پیاژه و کلبرگ در تحول اخلاقی مبتنی بر اصول عدالت و مردمحوری است و دیدگاه زنان را کمتر مورد توجه قرار داده است در حالی که نگرش زنان به مسئله اخلاق عمدتاً بر امور شخصی و ابراز عواطف و مراقبت از خود و دیگران (به‌خصوص افراد محبوب آنان) استوار است. به‌همین دلیل، به‌نظر گیلیگان، وقتی تحول اخلاقی زنان با آزمون‌های اخلاقی عدالت محور کلبرگ سنجیده می‌شود در سطح پایین‌تری از مردان قرار می‌گیرند (گیلیگان، ۲۰۱۴). به‌این ترتیب گیلیگان ضمن پذیرش نقش شناخت در اخلاق، جنسیت را نیز در تحول اخلاقی مؤثر می‌داند.

از طرفی رست<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۰)، این باور را مورد تأیید قرار دادند که عمل اخلاقی ضرورتاً از استدلال اخلاقی نشئت نمی‌گیرد. رست الگوهایی را پیشنهاد می‌کند که در آن توجه عموماً به عوامل انگیزشی و هیجانی معطوف شده است. وی مدل مؤلفه‌ای خود را به‌عنوان چالشی برای طبقه‌بندی سه‌گانه سنتی و قدیمی که کارکرد اخلاقی را به سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم می‌کرد، ارائه کرد (فرید و همکاران، ۱۳۸۹). از نظر رست چهار مؤلفه روان‌شناختی که زیربنای یک عمل اخلاقی است، عبارت‌اند از: حساسیت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزش اخلاقی و منش اخلاقی (شهرآرای، ۱۳۸۴).

امروزه روان‌شناسی اخلاق به مطالعه تغییرات در قضاوت‌ها، رفتار و شناخت اخلاقی کودکان و نوجوانان در طول دوره‌های تحولی پرداخته است (کیلن و اسمتانا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). نوجوانی دوره مهمی در گستره زندگی و تغییرات تحولی و هویتی است. با توجه به تحول شناختی از حدود ۱۱ سالگی به بعد، کودک خواهد توانست به‌طور هم‌زمان به چند جنبه از امور توجه کند و با آگاهی از این که دیگران می‌توانند دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند، بر خودمداری خود غلبه می‌کند (کدیور، ۱۳۹۵). در طول دوره نوجوانی و تغییرات هویتی، افراد تصمیمات مهمی برای زندگی خود می‌گیرند. شناخت کامل مفاهیم مرتبط با این دوره تحولی بسیار حساس و قابل توجه است. در دوره نوجوانی، بحث اخلاق و ارزش‌های اخلاقی به‌صورت جدی‌تری بیش از پیش مطرح می‌شود و به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی، نقش

- 
1. Gilligan
  2. Rest
  3. Killen & Smetana

اساسی در شکل‌گیری، کنترل و پیش‌بینی کنش‌ها و گرایش‌های افراد جامعه می‌یابد (یعقوبی و عبداللهی مقدم، ۱۳۹۵).

رویکرد جدیدتر در تحول اخلاقی، بررسی این نکته است که چگونه انواع مختلف استدلال در مسیر زندگی تحول می‌یابد و تا چه اندازه گذرگاه‌های تحولی در فرهنگ‌ها متفاوت است. این رویکرد نظریه‌ای است که رویکرد تحولی - فرهنگی نامیده می‌شود. رویکرد تحولی فرهنگی اخلاق، یک مدل یکنواخت برای همه انسان‌ها فراهم نمی‌آورد. در این رویکرد، گذرگاه‌های تحولی در سلسله‌مراتب تحول اخلاقی با توجه به تفاوت فرهنگی افراد در جای مناسب خود قرار می‌گیرند (جنسن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

رابطه بین فرهنگ و اخلاق ذاتی است؛ اخلاق یک ویژگی ممتاز در مفهوم فرهنگ است. فرهنگ نمی‌تواند بدون توجه به اخلاق مورد بررسی قرار گیرد. اخلاق نیز نمی‌تواند بدون اشاره به مفهوم فرهنگ درک شود. مطالعه اخلاق منجر به چشم‌اندازی می‌شود که تصور می‌کند روان‌شناسی بیشتر از آن که یک علم طبیعی باشد، اصالتاً یک علم فرهنگی است. اصولاً گفته می‌شود که اخلاق در جوامع غربی مبتنی بر حقوق است در حالی که در جوامع غیر غربی مبتنی بر وظایف است. این مطلب همچنین می‌تواند به فردگرا بودن و جمع‌گرا بودن جوامع اشاره کند (اکنزرگر و ژنگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

اخلاق تحت تأثیر مقوله‌های فرهنگی - اجتماعی، بافت آموزشی، خانواده و فرهنگی است که افراد در آن زندگی می‌کنند. از زمانی که گیلیگان مطرح کرد که اخلاق با مفهوم خود ارتباط دارد و از آنجا که مفهوم خود بسیار فرهنگ وابسته است، اخلاق و استدلال اخلاقی نیز به نوعی فرهنگ وابسته تلقی می‌شود. در انتخاب اخلاقی، نیروهای زیستی، فرهنگی و موقعیتی نقش اساسی دارند (دیمون و کولبی، ۲۰۱۵). افراد مفاهیم اخلاقی خود را بر اساس بافت‌ها و موقعیت‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، شکل می‌دهند (کیلن و اسمتانا، ۲۰۰۸). مثلاً ارتباط بین رفتار اخلاقی و استدلال اخلاقی نوجوانان در بسیاری از جوامع غربی مثبت و معنادار تلقی شده است (هارت و اتکینز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ بلاسی<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰) اما در پژوهش‌های ایرانی بین این دو متغیر ارتباط معناداری یافت نشده است (رهنما، ۱۳۷۲؛

1. Jensen
2. Eckensberger and Zheng
3. Hart & Atkins
4. Blasi

جنیدی، ۱۳۷۸). که این تفاوت می‌تواند ناشی از تفاوت فرهنگی و تفاوت در مفهوم اخلاق و باورهای اخلاقی و تظاهرات رفتار اخلاقی در دو جامعه باشد.

هلکاما و سورتیکس<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای نشان دادند که در بخش‌های مختلف اخلاق، تفاوت‌های بین فرهنگی مشهود است و در فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌هایی در ارزش‌ها، ارتباط بین افراد و اولویت آن‌ها در امور اخلاقی دیده می‌شود. آن‌ها همچنین تغییرات مرتبط با سن را در ارزش‌ها و استدلال اخلاقی بررسی کردند. چانا<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) به مطالعه مفهوم شهروندی در هندوستان به عنوان یک جامعه شرقی در مقایسه با مفهوم شهروندی در جوامع غربی پرداخت و به این نتیجه رسید که مفهوم شهروندی علاوه بر اینکه در یک بستر تاریخی و اجتماعی مفهوم می‌یابد، ممکن است در جوامع مختلف به لحاظ اخلاقی و از منظر ارزش‌های اخلاقی مفاهیم متفاوتی بیابد. مفهوم یک شهر توسط افرادی که در آن شهر زندگی می‌کنند مشخص می‌شود و فرهنگ از این حیث، نقش مؤثری در مفاهیم انسانی دارد.

کلارک<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی تفاوت دیدگاه‌های هندی‌ها و آمریکایی‌ها در مفاهیم اخلاقی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هندوها و آمریکایی‌ها هر دو اقدامات زیان‌آور را از نظر اخلاقی نادرست می‌دانند اما هندوها بیشتر از آمریکایی‌ها رفتارهای یاری‌رسان را جزو ملزومات اخلاقی لحاظ می‌کنند. همچنین این مطالعه بین فرهنگی نشان داد که انگیزه‌های مذهبی و مفاهیم مرتبط با پرستش، انگیزه بیشتری در هندوها ایجاد می‌کند تا کارهای مثبت انجام دهند.

کاول<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۷) با مطالعه کودکان و نوجوانان در پنج جامعه بزرگ کانادا، چین، ترکیه، آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا نشان دادند که سن در تحول اخلاقی و رفتار سخاوت در همه کشورهای حائز اهمیت است. تفاوت‌های فرهنگی بسیار روشن و قطعی است. هرچند همه افراد مورد مطالعه از جوامع بزرگ شهری انتخاب شدند، اما تفاوت‌های فرهنگی قابل توجهی ملاحظه شد و مشخص شد که مکانیسم‌هایی که منجر به رفتار اخلاقی

---

1. Helkama and Sortheix

2. Channa

3. Clark

4. Cowell

کودکان و نوجوانان می‌شوند باید به‌طور ویژه با توجه به محیط‌های بومی افراد مورد بررسی قرار گیرند.

هایت<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۷) با مصاحبه از ۴ گروه ۳۰ نفره از کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال و نوجوانان ۱۹ تا ۲۶ سال و بیان سه داستان که مستلزم ارزیابی‌های مربوط به عدالت، مداخله، جهانی شدن بودند، نشان دادند که هنجارها و عواطف فرهنگی تأثیر مهمی بر حیطه اخلاق و فرایند قضاوت اخلاقی دارند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که مدل‌های معتبر فرهنگی برای قضاوت اخلاقی و اخلاق در فرهنگ‌های مختلف ساخته شود. یافته‌های پژوهش اسونسون<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد بافتی که فرد در آن زندگی می‌کند و ارتباطش با خانواده، مدرسه و گروه همسالان بر تحول اخلاقی نوجوانان تأثیر دارد.

سنگرا<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای ظرفیت افراد برای احساس همدلی، انگیزش اخلاقی، انعطاف‌پذیری فردی، اصول اخلاقی، هنجارهای اخلاقی و گفتار اخلاقی را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که اخلاق همیشه تحت تأثیر منابع فرهنگی قرار می‌گیرد و توسط عوامل بافتی تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد که اخلاق چیزی سوای از جامعه نیست. استانکو<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۶) برای تشخیص ابعاد اصلی نگرش اجتماعی، ۳۳ کشور جهان را از لحاظ ۲۰ موضوع نگرش اجتماعی مورد مطالعه قرار دادند. بیشترین تفاوت‌های فرهنگی مربوط به سه عامل مذهب، استبداد و اخلاق بود. لوئین<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۴) طی مطالعه‌ای تفاوت بافت‌های فرهنگی که منجر به تنوع در ارزش‌های اخلاقی می‌شود را مورد بررسی قرار دادند. اخلاق حداقل در پنج حوزه مطرح شد: وفاداری، اقتدار و احترام، خلوص و تقدس، آسیب یا مراقبت، انصاف یا مقابله به مثل. توانایی شناختی، طبقه اجتماعی، شهرنشینی، سطح تحصیلات، امید به زندگی و تاریخچه زندگی فردی در شکل‌گیری مفهوم اخلاق نقش دارند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تاکنون هیچ‌یک از نظریه‌های موجود اخلاق نتوانسته‌اند اخلاق را به‌صورت آنچه در ایالات متحده هست، تعریف کنند.

- 
1. Haidt
  2. Svensson
  3. Sanghera
  4. Stankov
  5. Leeuwen

چاپارو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای بین فرهنگی کودکان شیلی و سوئیس را از نظر همدلی، انگیزش اخلاقی و استدلال اخلاقی مورد بررسی قرار دادند. کودکان کوچک‌تر شیلی سطوح بالاتری از همدلی را نسبت به کودکان کوچک‌تر سوئیس نشان دادند. در هر دو فرهنگ کودکان بزرگ‌تر، انگیزش اخلاقی بیشتری نسبت به کودکان کم سن و سال‌تر داشتند. یافته‌ها هم از لحاظ تحولی و هم از منظر تفاوت‌های بین فرهنگی اخلاق را مورد بحث قرار می‌دهند.

بندورا (۲۰۱۴) معتقد است که فرهنگ ماهیت پویا دارد و در درون یک فرهنگ نیز این پویایی مشهود است. بین جوامعی که از نظر فرهنگی تحت یک عنوان قرار می‌گیرند نیز تفاوت‌های زیربنایی فرهنگی وجود دارد؛ مثلاً جوامعی که به اخلاق جمع‌گرا اهمیت می‌دهند، در ارزش‌ها، مفاهیم و رسوم که ترویج می‌کنند، متفاوت هستند (بندورا، ۲۰۱۴). مطالعه اخلاق به عنوان مفهومی که به طور یقین در بافت فرهنگ جامعه تعریف می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. به طور ویژه روان‌شناسان تربیتی باید مفاهیم بافت - وابسته را شناسایی کنند و آن‌ها را بررسی نموده و مدل‌های مبتنی بر فرهنگ هر جامعه را برای آموزش آن مفاهیم ارائه کنند تا به برنامه‌ریزان آموزشی مفهوم درستی برای آموزش در بستر فرهنگی جامعه ارائه دهند. در جامعه ایران نیز با توجه به فرهنگ غالب و تلفیق آموزه‌های دین مبین اسلام با مفهوم اخلاق، شناسایی این سازه فرهنگ وابسته ضرورت دارد. با توجه به این که تاکنون مطالعات انجام‌شده در حوزه اخلاق یا در کشورهای غربی بوده و یا در ایران پژوهش‌هایی که انجام شده، مبتنی بر رویکردها و نظریه‌های آن جوامع بوده است و طبق مطالعه محمدزاده و صالحی (۱۳۹۵)، رویکرد غالب در اکثریت مطالعات حوزه روانشناسی و علوم تربیتی، پوزیتویسمی و کمی است، در این مطالعه با بهره‌گیری از رویکردهای کیفی و تفسیرگرا، مبتنی بر ویژگی‌های بافتی جامعه، به تبیین ماهیت سازه اخلاق در نوجوانان ایرانی پرداخته شده است.

## روش

این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از طرح پدیدارشناسی توصیفی صورت گرفته است. هدف از اجرای طرح تحقیق پدیدارشناسی آن بود که معنی یک پدیده یا مفهوم مورد مطالعه را از نظر یک گروه از افراد بررسی کند. به عبارت دیگر، پدیدارشناسی سعی بر آن دارد که



به شناخت از پدیده، از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده ارج نهد (بازرگان، ۱۳۹۳). زمانی که بخواهیم که فهم ما نسبت به ابعاد مختلف یک پدیده بیشتر شود و ابعاد کلی آن پدیده را بهتر بشناسیم، از پدیدارشناسی توصیفی استفاده می‌کنیم.

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به روش گروه کانونی انجام گرفت. گروه‌های کانونی یک روش تحقیق کیفی است که به وسیله آن پژوهشگر می‌تواند نظر مشترک افراد را نسبت به «پدیده» موردبررسی نمایان کند. از طریق این روش مصاحبه کیفی، با تعدادی افراد که کاملاً «دست‌چین» شده‌اند و نسبت به موضوع موردبررسی با تعامل با یکدیگر نظر می‌دهند، انجام می‌شود. در این روش، یک نمونه غیر احتمالی از جامعه مورد مطالعه برای مصاحبه گروهی انتخاب می‌شود. در انتخاب این نمونه سعی می‌شود که افراد کاملاً همگن باشند و یا این که از نظر برخی ویژگی‌ها مشابه یکدیگر باشند (بازرگان، ۱۳۹۳). در این پژوهش برای بررسی روایی سازه در مصاحبه‌ها، از روش سه سویه نگری سؤال‌های مصاحبه از طریق دو یا چند سؤال علمی استفاده شد. در این روش برای بررسی پدیده مورد نظر تنها به یک سؤال اکتفا نمی‌شود، بلکه از چندین سؤال برای رسیدن به فهم عمیق از موضوع استفاده می‌شود (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲).

شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها، ۷۷ نفر (۴۹ دختر، ۲۸ پسر) از بین دانش آموزان مدارس دوره اول متوسطه منطقه ۴ شهر تهران بودند. منطقه ۴ گسترده‌ترین منطقه آموزش و پرورش شهر تهران است و از نظر تنوع فرهنگی و سطوح مختلف اجتماعی - اقتصادی، یکی از متنوع‌ترین‌ها به‌شمار می‌آید. هفت گروه کانونی در مدارس دخترانه و چهار گروه کانونی در مدارس پسرانه تشکیل شد. میانگین سنی شرکت کنندگان در این پژوهش، ۱۴ سال بود. معمولاً افرادی که با روش پدیدارشناسی توصیفی کار می‌کنند، به منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های کیفی از روش کلایزی<sup>۱</sup> و افرادی که از روش پدیدارشناسی تفسیری پیروی می‌کنند، از روش دیکلمن و همکاران بهره می‌گیرند (مایلز<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). در این پژوهش با توجه به استفاده از طرح پدیدارشناسی توصیفی، روش تحلیل داده‌ها بر اساس مدل پیشنهادی کلایزی شامل هفت مرحله بود:

1. Colaizzi
2. Miles

- (۱) مروری بر تمام اطلاعات: در این مرحله، اطلاعات مکتوب مربوط به مصاحبه‌ها چندین مرتبه خوانده شد تا محتوای کلی آن درک شود.
  - (۲) بیرون کشیدن جملات مهم: عبارات، جملات یا پاراگراف‌هایی که مربوط به سؤالات پرسیده شده در مصاحبه‌ها بودند جدا شده و در فایل‌های جداگانه‌ای نگهداری شدند. این کار به این دلیل انجام گرفت که اطلاعاتی که درصد اهمیت کمتری دارند از دست نروند، زیرا ممکن است در مراحل بعدی اهمیت آن‌ها مشخص شود.
  - (۳) ایجاد معانی فرموله شده: برای هر جمله مهم، یک توصیف کوتاه از معنی پنهان در آن نوشته شد.
  - (۴) قرار دادن معانی فرموله شده در داخل دسته‌ها و شکل دادن مضامین (تم‌ها) در درون دسته‌های مختلف: مضامین در این مرحله، عبارات و جملات کوتاهی از معانی فرموله شده بودند. تکرار مضامین، یکی از شاخص‌های اعتبار است.
  - (۵) ایجاد یک توصیف روایتی مختصر: مفاهیم کلیدی داده‌ها، به صورت خلاصه‌ای روایت وار نوشته شدند. توصیف روایتی، به منظور بیان یافته‌ها در قالب جملات بدون ایهام و به صورت خلاصه است.
  - (۶) بازگشت به منظور تعیین اعتبار: نتایج برای شرکت کنندگان شرح داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نظرات و واکنش‌های خود را درباره نتایج ارائه دهند.
  - (۷) تعیین قابلیت پیگیری: فعالیت‌های روزانه فرایند تحقیق، و تجربه شخصی پژوهشگر در برخورد با شرکت کنندگان به صورت گزارش کتبی نوشته شد.
- ۴-۱. قابلیت اعتماد<sup>۱</sup> و قابلیت اطمینان<sup>۲</sup>: در دهه ۱۹۸۰، گوبا و لینکلن از مفهوم قابلیت اعتماد برای جایگزینی مفهوم کمی روایی در پژوهش‌های کیفی و از قابلیت اطمینان به عنوان جایگزینی برای مفهوم کمی پایایی در پژوهش‌های کیفی استفاده کردند. در پژوهش حاضر برای بررسی قابلیت اعتماد از «دریافت نظر همکاران» که راهبردی برای بهبود روایی در پژوهش‌های کیفی است، استفاده شد. در این روش تبیین‌ها و نتایج پژوهشگر توسط دیگر پژوهشگران و همکاران بررسی می‌شود (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲).

قابلیت اطمینان با بررسی گزینه‌ها و داده‌های خام، کاهش داده‌ها و یادداشت‌برداری فرایند پژوهش حاصل می‌شود. وجود حداقل دو نفر برای انجام مصاحبه‌ها به صورت جداگانه اما موازی با یکدیگر و مقایسه یافته‌های دو محقق از روش‌های رسیدن به پایایی در پژوهش‌های کیفی و یا قابلیت اطمینان است که در پژوهش حاضر، این روش مورد استفاده قرار گرفت.

بازبینی یا واریسی تطبیقی<sup>۱</sup> مؤثرترین و مهم‌ترین روش برای اطمینان از دقت مطالعه انجام گرفته است. این عمل مانند یک کلید به پژوهشگر کمک می‌کند تا هر تهدیدی که سطح روایی و پایایی پژوهش را کاهش می‌دهد، شناسایی کرده و آن را اصلاح کند (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش به منظور بررسی تطبیقی، پس از استخراج مفاهیم توسط پژوهشگر، متن مصاحبه‌ها در اختیار استاد صاحب‌نظر در حوزه روان‌شناسی تحولی و روان‌شناسی تربیتی قرار گرفت و مجدداً مفاهیم توسط ایشان استخراج شد. به عبارتی کدگذاری مفاهیم توسط مصاحبه‌کننده و صاحب‌نظر انجام شد، اعتبار بین دو کدگذاری با استفاده از فرمول ضریب توافق درصدی، ۹۴ درصد به دست آمد که حاکی از توافق درون موضوعی خوبی بین دو کدگذار است.

### یافته‌ها

پس از تحلیل مصاحبه‌ها به روش کلاسیکی، یافته‌های زیر حاصل شد:

• معنا و مفهوم اخلاق: نوجوانان ایرانی اخلاق را در ۷ مقوله تعریف می‌کنند که عبارت‌اند از: عدالت، مراقبت، عاملیت اخلاقی، حساسیت اخلاقی، مسئولیت اخلاقی، انگیزش اخلاقی و ارزش‌های فردی. هر یک از این مقوله‌ها شامل زیرمقوله‌هایی هستند و طبق گفته‌های نوجوانان به این شرح تعریف می‌شوند:

(۱) عدالت: ارزش‌هایی که بر حقوق، وظایف و رعایت انصاف تأکید دارند. شناخت حقوق دیگران و مقدم دانستن حقوق افراد بر قانون اجتماعی. زیر مقوله‌های عدالت در تعریف نوجوانان عبارت‌اند از: انصاف، شناخت حقوق خود و دیگران، دفاع از حق، تبعیض قائل نشدن، زود قضاوت نکردن، رعایت حقوق دیگران. نوجوانان در پاسخ به سؤال‌های مصاحبه مانند ویژگی‌های فرد با اخلاق چیست؟ و یا اخلاق را چگونه

تعریف می‌کنید؟ یا کدام رفتارهای شما نشانه با اخلاقی شماست؟، چنین پاسخی را ارائه دادند: «وقتی می‌بینم که حق با یک نفر است، از او حمایت می‌کنم؛ یا در بحث و دعوای بررسی می‌کنم که حق با چه کسی است؛ یا طرف کسی را می‌گیرم که حق با اوست؛ حتی اگر دوست من نباشد، یا کسی که دیگران را قضاوت نکنند یعنی چیزی را که میشنوه زود باور نکنند و تا خودش از چیزی مطمئن نیست، نپذیرد. یا کسی که کسی که دیگران را قضاوت نکنند یعنی چیزی را که میشنوه زود باور نکنند و تا خودش از چیزی مطمئن نیست، نپذیرد.»

(۲) مراقبت: ارزش‌هایی که بر ارتباط بین افراد تأکید می‌کنند و مسئولیت‌هایی که در چارچوب رابطه با دیگران تعریف می‌شوند. زیر مقوله‌های مراقبت از دیدگاه نوجوانان عبارت‌اند از: احترام، گذشت، نوع دوستی، خوشحال کردن دیگران، مهربانی، کمک به دیگران، رعایت حریم در روابط، همدلی، همدردی، توجه به دیگران، ایجاد صلح بین دو نفر، رازداری. نمونه‌هایی از پاسخ نوجوانان: «با دیگران با احترام صحبت کنیم، اگر نظری مخالف نظر بزرگترش داره با احترام و ادب براش توضیح بده؛ کسی با اخلاقه که بزرگوار و بخشنده باشه و اگر کسی اشتباهی میکنه و از او عذرخواهی میکنه، بتونه او را ببخشه و گذشت داشته باشه؛ آدم با اخلاق مورد اعتماد؛ رازداره، زیر آب دیگران رو نمیزنه، کمک میکنه و امانتداره.»

(۳) عاملیت اخلاقی: طراحی آگاهانه و اجرای عمدی اعمال، عمل کردن بر پایه درست و غلط و توانایی قضاوت درباره خوب و بد امور، ترک یا انجام یک عمل اخلاقی از روی عمد و آگاهانه. زیر مقوله‌ها: کنترل بر خود، خوش رفتاری، خوش رویی، خوب صحبت کردن، با ادبی، رعایت آداب معاشرت، با جنبه بودن، غیبت نکردن، مسخره نکردن، حسود نبودن، عمل به حرف‌ها و دانسته‌ها، رفتار متعادل، جبران بدی با خوبی، آموزش و انتقال دانسته‌ها. نمونه‌هایی از پاسخ‌های نوجوانان: «بتونه خودشو کنترل کنه؛ مثلاً آگه به مشکل بد براش پیش بیاد زود از کوره در نره؛ یا توو شرایط بد هست که میشه خوش رفتاری و با اخلاق بودن آدم‌ها رو بهتر تشخیص داد؛ یا یک آدم با حال و پایه‌ای باشه. خوشرو و خوش‌خنده باشه که وقتی باهاش صحبت می‌کنی، از صحبت کردن با او لذت ببری. یا ادب را رعایت کنه، بدونه با بزرگترش چطورری ارتباط برقرار کنه. اگر نظری مخالف نظر بزرگترش داره، با احترام و ادب براش توضیح بده؛ یا وقتی

چیزی بهش میگی سریع بهش برنخوره و باجنبه باشه. من بیشتر با اخلاقی را توی جنبه داشتن می بینم؛ یا اگر کسی کار بدی انجام میده مسخره اش نکنیم، آگه بقیه مسخره می کنند ما با اونها همراهی نکنیم و بدونیم گاهی یک نفر میتونه بقیه را تحت تأثیر قرار بده؛ یا وقتی میتونیم زمانی را برای دیگران اختصاص بدی، وقتی به تو نیاز دارند، این زمان را اختصاص بدی. حالا یا برای اینکه کمکشون کنی یا برای اینکه چیزی یادشون بدی.»

(۴) حساسیت اخلاقی: فهم اخلاقی و داشتن علائق و دغدغه های اخلاقی در امور، تمیز درست از غلط، تشخیص موقعیت اخلاقی. زیر مقوله های این مقوله در نگاه نوجوانان به این شرح است: خوش بینی، موقعیت شناسی، منطقی بودن، انتقادگری بجا و درست، فکر کردن به پیامد رفتار، شوخی مناسب. مثلاً: «وقتی در یک جمعی هست که دیگران درباره چیزی صحبت می کنند، زود به خودش نگیره و نگه منظور تون به من بوده؛ یا در جمع خانواده و یا در جمع دوستان رفتار متناسب با اون جمع را نشون بده؛ یا عاقبت کارش را در نظر میگیره؛ یا کسی که منطقی باشه و شریط را درک کنه، وقتی براش توضیح میدی به طور منطقی قبول کنه.»

(۵) مسئولیت اخلاقی: شایستگی اخلاقی برای ستایش شدن، سرزنش شدن، پاداش گرفتن یا مجازات شدن به خاطر انجام یک عمل اخلاقی یا بی توجهی نسبت به تعهدات اخلاقی. (در برابر کارهای خودش مسئول است چون اختیار دارد و عامل است. به کسی که مسئولیت اخلاقی دارد، عامل اخلاقی می گویند). زیر مقوله ها شامل: پذیرش و جبران اشتباه، انتقادپذیری، شناخت نقاط قوت و ضعف خود، مسئولیت پذیری، توقع نداشتن. مثل: «اگر انتقاد می کنیم انتقاد را بپذیره و خودش را اصلاح کنه؛ یا وقتی کار اشتباهی میکنه، معذرت خواهی کنه؛ یا مسئولیت های خودمون و دیگران را بشناسیم و چطور رعایت کردن اونها رو بدونیم؛ یا از هرکسی انتظار نداشته باشی که برات یه کاری انجام بده»

(۶) انگیزش اخلاقی: انگیزش فرد برای انجام کاری که درست است. زیر مقوله ها عبارت اند از: میل به کمک، ثبات داشتن در انجام کارهای اخلاقی، نیت خوب داشتن. مثلاً: «یک کاری را واقعاً از ته دلش و با رضایت انجام بده نه از روی خجالت و رودربایستی. نیت و ته دلش خیلی مهم، اونیه که داره تظاهر میکنه دیگه رفتار اخلاقی

که نشون میده حقیقی نیست چون رفتار باطنی را نداره یا کسی که به صورت خودجوش و از نظر اخلاقی می‌خواهد به بقیه کمک کنه یا همه‌جا خوش‌اخلاق باشه، نه اینکه یه جا کنترل خودشو از دست بده بلکه همه‌جا باید بتونه خودشو کنترل کنه؛ یا کسی که نسبت به همه اخلاق را رعایت میکنه، گزینشی عمل نمیکنه»

(۷) ارزش‌های فردی: ارزش‌هایی که فرد نسبت به آن‌ها تعهد اخلاقی دارد و کمتر در ارتباط با دیگران تعریف می‌شود. این ارزش‌ها فردی هستند و با هویت اخلاقی فرد سروکار دارند. زیرمقوله‌ها شامل این موارد است: تواضع، صداقت، قناعت، صبوری، سازگاری، وفای به عهد (خوش‌قولی). مثلاً: «کسی که احساس برتری نسبت به دیگران نداشته باشه؛ یا آدمی که خوش‌قول باشه و به قولش عمل کنه. اگر قول میده کاری را در یک زمانی انجام بده حتماً در همان زمان انجام بده و نندازه برای یک زمان دیگه؛ یا من به کسی میگم آدم با اخلاق که دورو نباشه؛ اون چیزی را که نشون میده، همون باشه؛ صبور بودن افراد موقع عصبانیت خیلی مهمه؛ یا چیزهایی که دارم را با چیزهایی که دیگران دارند، مقایسه نمی‌کنم.»



شکل ۱. مقوله‌های اخلاق از دیدگاه نوجوانان ایرانی

ثبات یا نسبی‌گرایی در اخلاق: درباره‌ی ثبات و نسبی‌گرایی اخلاقی در بین نوجوانان، با توجه به نتایج تحلیل مصاحبه‌ها، نوجوانان نسبی‌گرا هستند و اخلاق را وابسته به شرایط بیرونی و

فرد مقابل می‌داند. «همیشه نباید با اخلاق بود، بعضی اوقات که با کسی خوش اخلاقی می‌کنی، اون از اخلاق ما سوءاستفاده میکنه.» یا «بعضی آدم‌ها حقشونه که باهاشون بد اخلاقی کنیم. ما وقتی با آدم‌هایی که خوش رفتار نیستند، بد اخلاقی می‌کنیم، باز هم آدم با اخلاقی هستیم.» یا «به نظر من در شرایطی که دارند حق آدم را می‌گیرند، دیگه خوش رفتاری جایگاهی نداره.»

طبیعت یا تربیت در اخلاق: نوجوانان منشأ اخلاق را تربیت می‌دانند و به تأثیر عاملیت خود فرد در کنار تربیت اشاره می‌کنند. درصد کمی از نوجوانان به اهمیت طبیعت در کنار تربیت توجه دارند که این افراد نیز نقش تربیت را بسیار پررنگ‌تر می‌دانند. مهم‌ترین عوامل تربیتی در شکل‌گیری اخلاق از نگاه نوجوانان به ترتیب به این شرح است: خانواده، افراد جامعه، دوستان، اطرافیان و بستگان، فضای مجازی، کشور محل زندگی و شرایط حاکم بر آن، محیط مدرسه، بزرگ‌ترها، معلمان، فیلم و انیمیشن‌ها و افراد مشهور کشوری و جهانی (سلبریتی‌ها). سایر عواملی که مورد اشاره قرار گرفتند عبارت‌اند از: الگوهای دینی، تلویزیون، موقعیت‌های پیش آمده در زندگی افراد، کتاب‌ها و مطالب خوانده شده توسط فرد، تجارب دیگران و همبازی‌های کودکانه.

رابطه نیت و رفتار اخلاقی: در تعریف اخلاق، نوجوانان بین نیت و رفتار اخلاقی تمایز قائل می‌شوند و اخلاق را مجموعه‌ای از نیت‌ها و رفتارها می‌دانند. در بیان اهمیت رفتار اخلاقی نوجوانان این‌گونه اظهار داشتند: «رفتار خوبی که با نیت بدی انجام بشه، دیگه رفتار اخلاقی نیست. شاید رفتار درستی باشه ولی اخلاقی نیست چون نیتش درست نیست.» یا «کسی که نیت بدی داره، کار خویش را خراب میکنه.» یا «نیت خیلی مهمه. ۸۰ درصد رفتار اخلاقی به باطنش بر میگردد و نیت درون نه اون رفتار ظاهری.» یا «کسی که تظاهر میکنه، دیگه اون رفتار اخلاقی که نشون میده، حقیقی نیست.»

جدول ۱. تعریف اخلاق بر اساس زیرمقوله‌ها و نشانگرها

| مقوله اصلی | زیر مقوله‌ها   |
|------------|--|
| عدالت      | انصاف، شناخت حقوق خود و دیگران، دفاع از حق، تبعیض قائل نشدن، زود قضاوت نکردن، رعایت حقوق دیگران                                    |
|            | احترام، گذشت، نوع دوستی، خوشحال کردن دیگران، مهربانی، کمک به دیگران، رعایت حریم در روابط، همدلی، همدردی، توجه به دیگران، ایجاد صلح |
| مراقبت     | بین دو نفر، رازداری  |

|   |                |
|---|----------------|
| کنترل برخورد، خوش رفتاری، خوش رویی، خوب صحبت کردن، بادبی، رعایت آداب معاشرت، باجنبه بودن، غیبت نکردن، مسخره نکردن، حسود نبودن، عمل به حرف‌ها و دانسته‌ها، رفتار متعادل، جبران بدی با خوبی، آموزش و انتقال دانسته‌ها | عاملیت اخلاقی  |
| خوش بینی، موقعیت‌شناسی، منطقی بودن، انتقادگری بجای و درست، فکر کردن به پیامد رفتار، شوخی مناسب  | حساسیت اخلاقی  |
| پذیرش و جبران اشتباه، انتقادپذیری، شناخت نقاط قوت و ضعف خود، مسئولیت‌پذیری، توقع نداشتن   | مسئولیت اخلاقی |
| میل به کمک، ثبات داشتن در انجام کارهای اخلاقی، نیت خوب داشتن  | انگیزش اخلاقی  |
| تواضع، صداقت، قناعت، صبوری، سازگاری، وفای به عهد (خوش قولی)   | ارزش‌های فردی  |

### بحث و نتیجه‌گیری

امروزه مفهوم اخلاق، بافت محور و فرهنگ- وابسته تلقی می‌شود و دیگر نظریه‌های جهان‌شمول برای تحول اخلاقی و به‌ویژه برای مفهوم اخلاق در همه زمینه‌های اخلاقی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. مطالعه حاضر در بافت جامعه ایرانی نشان داد که نوجوانان ایرانی اخلاق را در هفت مقوله تعریف می‌کنند. بررسی یافته‌های این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های مشابه مؤید تفاوت‌ها و تشابهاتی است.

یافته‌های پژوهش حاضر در مقوله عدالت با پژوهش‌های بسیاری همسو است (المرس، تورن، پانو، لیون، ۲۰۱۹؛ بار، چانگ و سانفی، ۲۰۱۹؛ وولف، پیلار، ناکاو و نورثوف، ۲۰۱۹؛ جاکوبسن، دیور، گریگ، لوژ، اسکاربروچ و روی، ۲۰۱۹؛ پرتیس، جایاویکریم، هاوکینز، هارتلی، فر و فلیسون، ۲۰۱۸؛ چن، مارتینز و چنگ، ۲۰۱۸؛ ویکتوریا، ۲۰۱۸؛ اسنیدر، ۲۰۱۷؛ پرولا و دونسی، ۲۰۱۷؛ اسکیتکا، باومن و مولان، ۲۰۱۶؛ اسلیت، ۲۰۱۶؛

1. Ellemers, Toorn, Paunov and Leeuwen
2. Baar, Chang and Sanfey
3. Wolff, Pilar, Nakao and Northoff
4. Chen, Martinez and Cheng
5. Victoria
6. Snyder
7. Parola and Donsi
8. Skitka, Bauman and Mullen
9. Sleaf



دیکتی<sup>۱</sup> و کاول، ۲۰۱۵؛ هروا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴؛ بدر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ کراندل، تسنگ، گولدمن، پنیگتون، (۱۹۹۹). اسکیتکا، باومن و مولان (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که عدالت و اخلاق، جدایی‌ناپذیرند و عدالت یکی از مقوله‌های اخلاق است، اما جنبه‌هایی از اخلاق هم وجود دارند که ارتباطی با عدالت ندارند. بنا به گفته المرس و همکارانش (۲۰۱۷) و همچنین ویکتوریا (۲۰۱۸) و نیز دیکتی و کاول (۲۰۱۵)، اصول عدالت نمی‌تواند جهان‌شمول باشد و رفتار اخلاقی در جوامع مدرن امروزی را نشان دهد. عدالت بستگی به منطقه‌ای دارد که در آن به کار می‌رود و نمی‌تواند بین‌المللی باشد (وولف، پیلار، ناکاو و نورثوف، ۲۰۱۹). در این پژوهش نیز نشان داده شد که تعریف نوجوانان ایرانی از عدالت چگونه متفاوت از تعریف جهانی و همچنین مشابه آن است.

مقوله مراقبت در مفاهیم مشابهی با پژوهش‌های دیگر در ارتباط است (اوکانو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶؛ گوورین<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴؛ گیلیگان، ۲۰۱۴؛ ونلییر و گستمن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱؛ هلد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). مفهوم اخلاق بازتابی از درک ما از روابط اجتماعی و در بستر فرهنگی است. آسیب زدن به دیگران از مفاهیمی است که در دیدگاه افراد از مراقبت اخلاقی دیده می‌شود (گیلیگان، ۲۰۱۴؛ ۱۹۸۲). مراقبت، بخشی از روان‌شناسی اخلاق معرفی می‌شود و در پژوهش‌های مختلف، تفاوت‌های جنسیتی در مفهوم مراقبت دیده نشده است (پارولا و دونسی، ۲۰۱۷؛ گوورین، ۲۰۱۴، هلد، ۲۰۰۴)؛ همان‌طور که در پژوهش ما مفاهیم مراقبت توسط دختران و پسران به میزان مشابهی مورد تأکید قرار گرفته است. مراقبت رابطه محور است و در ارتباط با دیگران و مخصوصاً مراقبت از دیگران و در بافت فرهنگی - اجتماعی معنا می‌یابد (هلد، ۲۰۰۴؛ سنگرت، ۲۰۱۶). اخلاق از نگاه نوجوانان ایرانی نیز چیزی جدای از روابط نیست.

عاملیت یعنی انجام کارها با دلایل اخلاقی و توضیح این که چرا این دلایل اخلاقی هستند. مسئولیت فرد عامل برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و انجام کارهای مربوط به اخلاق در ساختار اجتماعی و روابط مشخص می‌شود (نیکلسون، بیدل و اسلاک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۹؛ کوالهو و

- 
1. Decety
  2. Hrehovà
  3. Bader
  4. Okano
  5. Govrin
  6. Vanlaere and Gastman
  7. Held
  8. Nicholson, Beadle and Slack

کاستا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ کاموس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). در عاملیت این نکته مهم است که افراد به صورت داوطلبانه بر اساس ارزش‌های اخلاقی عمل می‌کنند (لو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). حقوق انسان‌ها، عاملیت اخلاقی را شکل می‌دهد (گودال<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). در این پژوهش عاملیت اخلاقی شامل زیرمقوله‌هایی است که در ارتباط با دیگران مطرح می‌شود و اراده و اختیار فرد عامل را در تصمیم‌گیری و انجام عمل اخلاقی نشان می‌دهد. این مفاهیم ارتباط تنگاتنگی با مفهوم مسئولیت اخلاقی دارند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. فرد عامل اخلاقی، مسئول اعمال خویش است.

افراد به دلیل مسئول بودنشان مورد محاسبه و ارزیابی قرار می‌گیرند و عامل اخلاقی خوانده می‌شوند (فینیگان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹؛ جفرسون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸؛ ویسنسکی، مورگان و باومن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶). خواستن، باور داشتن، نیت، آگاهی داشتن، توانایی، داشتن اراده آزاد، مسئول بودن یا نبودن فرد را مشخص می‌کنند (مدوا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷؛ ویسنسکی، مورگان و باومن، ۲۰۱۶؛ آبون<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸). در واقع آگاهی و آزادی مؤلفه‌های حساسیت شناخته شده‌اند (دیم‌تر<sup>۱۰</sup>، آبون، ۲۰۱۸؛ مانور<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷). زیرمقوله‌های مسئولیت اخلاقی مورد تأکید نوجوانان ایرانی مفهومی از آگاهی و اراده را در دل خود دارند؛ پذیرش و جبران اشتباه، انتقادپذیری و مسئولیت‌پذیری در مواردی مطرح می‌شود که فرد اختیار و آگاهی کافی را نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد داشته باشد. از این رو یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مسئولیت اخلاقی همسو است.

حساسیت اخلاقی شامل تشخیص این‌که ما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم، دانستن این‌که چه پیامدهایی برای اعمال مختلف وجود دارد، درک موقعیت اخلاقی و درک رفتارهای ممکن در هر موقعیت است. تشخیص موقعیت اخلاقی، لازمه مواجهه با مسائل

1. Coelho and Costa
2. Camus
3. Lev
4. Goodale
5. Finnigan
6. Jefferson
7. Wisneski, Morgan & Bauman
8. Madva
9. Abun
10. Demeter
11. Manor

اخلاقی است (محمدنظر، قنبری و سیونن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹؛ کتسارو و کریستن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ برهانی، عباسزاده و حسین آبادی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶؛ اندرسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ یو، میدا و بابی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱؛ هن، کیم، کیم و آن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). حساسیت اخلاقی مانند سایر مولفه‌های اخلاق، وابسته به فرهنگ است و در رابطه با فرهنگ اخلاقی جامعه‌ای که در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، تعریف می‌شود (کتسارو و کریستن، ۲۰۱۸). این نکته در تفاوت‌هایی که در زیرمقوله‌های یافته شده در پژوهش حاضر با پژوهش‌های مشابه وجود دارد، دیده می‌شود. خیرخواهی، مراقبت از دیگران، انجام وظایف اجتماعی، آگاهی نسبت به موقعیت‌های آسیب‌زا، نگرانی برای دیگران و حساسیت نسبت به نگرش‌های غیرمتعهد اخلاقی از زیرمقوله‌هایی هستند که در فرهنگ‌های مختلف برای مسئولیت اخلاقی مطرح شده‌اند (کتسارو و کریستن، ۲۰۱۸؛ یو، میدا و بابی، ۲۰۱۱؛ هن، کیم، کیم و آن، ۲۰۱۰). با وجود همه این تفاوت‌ها، مفهوم تشخیص موقعیت اخلاقی، اندیشیدن به پیامدها و آگاهی نسبت به رفتارهای ممکن در هر موقعیت در تمام این زیرمقوله‌ها و همچنین زیرمقوله‌های یافته شده در پژوهش حاضر مشترک است و همگی به حساسیت اخلاقی اشاره دارند.

اساس عمل فرد عامل اخلاقی، انگیزش اخلاقی است. بدون انگیزش اخلاقی انتخاب اخلاقی صورت نمی‌گیرد، ارزش‌های اخلاقی ترویج نمی‌یابند و کارهای خوب به عمل در نمی‌آیند (دوبینک و لیدکرک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹؛ کومنسکا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷؛ کلوین<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ کارلو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵). از نظر رست (۲۰۰۰)، انگیزش اخلاقی به معنای اولویت قائل شدن برای ارزش‌های اخلاقی در برابر ارزش‌های شخصی از پیش نیازهای استدلال اخلاقی است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، نوجوانان ایرانی با تأکید بر در نظر گرفتن عاقبت انجام کارها، داشتن ثبات در انجام کارهای اخلاقی و میل به کمک کردن بر انگیزش اخلاقی در انجام رفتار اخلاقی تأکید می‌کنند.

1. Mohammadnazar Ghanbari and Siponen
2. Katsarov and Christen
3. Borhani, Abbaszadeh and Hoseinabadi
4. Anderson
5. You, Maeda and Bebeau
6. Han, Kim, Kim and Ahn
7. Dubbink and Liedekerke
8. Komenska
9. Clavien
10. Hardy and Carlo

ارزش‌ها در ادبیات پژوهش به عنوان یکی از جنبه‌های مهم اخلاق مطرح می‌شوند. در همه فرهنگ‌ها و جوامع ارزش‌ها بخش جدایی‌ناپذیر اخلاق هستند اما این که کدام ارزش‌ها بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرد، موضوعی است که به فرهنگ و بافت مردم مطالعه بستگی دارد. به عنوان نمونه در مطالعه لوئین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۴) حوزه‌های اخلاقی به وفاداری، اقتدار و احترام، خلوص و تقدس، آسیب یا مراقبت و انصاف یا مقابله به مثل تقسیم شدند. ارزش‌های اخلاقی در بافت‌های مختلف فرهنگی، متفاوت هستند؛ هرچند که برخی از ارزش‌ها جهانی‌اند مثل صداقت و احترام (مانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ آبون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸؛ بالاکریشمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). ممکن است چیزی که در یک کشور به عنوان ارزش اخلاقی شناخته می‌شود، در کشور دیگری ضد ارزش اخلاقی باشد (مانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ بالاکریشمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). مثلاً در کمک کردن، این بافت فرهنگی است که مشخص می‌کند آیا کمک به دیگران در انظار عمومی درست است یا غلط (ترومسدورف<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). ارزش‌های اخلاقی شناخته شده در پژوهش‌های مشابه شامل همدلی، وجدان، خودکنترلی، احترام، مهربانی، تاب‌آوری، انصاف، عدالت، صداقت، اعتماد، عفو و گذشت، احترام، سخاوت، محبت، شجاعت، راستی، شفقت، وفاداری، حمایت، همکاری، انصاف و مسئولیت‌پذیری هستند (سولستیانی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ آبون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸؛ مانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ آرچر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸؛ ترومسدورف<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸؛ بالاکریشمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). ارزش‌های متفاوت از مطالعات مطرح شده توسط نوجوانان ایرانی نشان از تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری مفهوم اخلاق دارد. با توجه به فرهنگ غالب جامعه ایرانی که بیشتر جمع‌گرایی را ترویج می‌دهد، ارزش‌هایی که به نوعی بر وظایف فرد در قبال دیگران و یا حداقل به رفتار فرد در ارتباط با دیگران اشاره دارند، بیش از سایر ارزش‌ها مورد تأکید قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نوجوانان ایرانی رفتار اخلاقی را بیشتر نسبی و وابسته به شرایط و فرد مقابل می‌دانند و همین امر مجدداً تعریف اخلاق در روابط را از نگاه نوجوانان ایرانی مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین طبق یافته‌های پژوهش حاضر، در تعریف اخلاق، نوجوانان بین نیت و رفتار اخلاقی تمایز قائل می‌شوند و اخلاق را مجموعه‌ای از نیت‌ها و رفتارها می‌دانند. این مطلب به تأکید فرهنگ اسلامی و ایرانی بر نیت خوب و درست

1. Leeuwen
2. Manea
3. Balakrishnan
4. Sulistiani
5. Archer

داشتن اشاره می‌کند و حکایت از توانایی نوجوانان در تمایز بین رفتار و نیت و تشخیص لایه‌های درونی رفتار دارد. این نگرش نشان‌دهنده ویژگی تحولی دوران نوجوانی است که از دیدگاه نظریه‌های شناختی و تحولی، در این سنین دیگر نوجوان می‌تواند چندجانبه به امور توجه نشان دهد. همچنین این یافته با یافته‌های کاول و همکاران (۲۰۱۷) در باب اهمیت سن در تحول اخلاقی در کنار اهمیت محیط بومی افراد، همسو است.

همان‌طور که قبلاً مطرح شد اخلاق مفهومی بافت - محور و وابسته به فرهنگ است. بنا به گفته گیلیگان (۲۰۱۴)، ما درون فرهنگ‌ها زندگی می‌کنیم تحول روان‌شناختی و تطابق فرهنگی هر دو در تحول اخلاقی سهیم هستند. شکل‌گیری مفاهیم اخلاقی به فرهنگ، آموزش و تجربیات افراد بستگی دارد (اوکانو، ۲۰۱۶). عاملیت اخلاقی در بافت فرهنگی و در رابطه با انتظارات اجتماعی معنا می‌یابد (کاموس، ۲۰۱۹؛ میلر، گویال و وایس، ۲۰۱۷). حساسیت اخلاقی وابسته به فرهنگ اخلاقی جامعه مرتبط با آن است (فینیگان، ۲۰۱۹؛ کتسارو، کریستین، ۲۰۱۸). مطالعه اخلاق درون فرهنگ‌های مختلف ضرورتی انکارناپذیر دارد؛ لذا پژوهش حاضر در بافت جامعه ایرانی انجام و منجر به شناخت مفهوم فرهنگ وابسته اخلاق در کشور ایران شد یافته‌های دیگر این پژوهش به شناخت بیشتر اخلاق در جامعه نوجوانان ایرانی کمک می‌کند مانند این که نوجوانان اخلاق را نسبی و وابسته به شرایط و وابسته به فرد مقابل می‌دانند. همچنین نوجوانان اخلاق را قابل یادگیری و منشأ آن را بیرونی می‌دانند و مهم‌ترین عامل شکل‌گیری اخلاق از نگاه آن‌ها تربیت خانواده است. در تعریف اخلاق، اهمیت نیت و رفتار را در کنار یکدیگر مورد تأکید قرار می‌دهند و بنابراین نوجوانان بین نیت اخلاقی و رفتار اخلاقی تمایز قائل می‌شوند و برای انجام یک عمل اخلاقی هر دو را حائز اهمیت می‌دانند. همچنین از نگاه نوجوانان دختر و پسر ایرانی در تعریف اخلاق ملاک و نشانگرهای آن هیچ تفاوتی دیده نشد و بنابراین جنسیت در تعریف از مفهوم اخلاق از نگاه نوجوانان ایرانی نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد. پژوهش‌های جدیدتر در حوزه اخلاق نیز، دیگر جنسیت را در اخلاق به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار نیافته‌اند (سولستیانی، ۲۰۱۹).

یافته‌های این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و تشکیل گروه‌های کانونی به‌دست آمده است و با توجه به این که مصاحبه به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات علی‌رغم مزایای بسیار، محدودیت‌هایی نظیر قابلیت تعمیم‌پذیری کم و عدم امکان مصاحبه با

نمونه‌های متعدد را دارد، این پژوهش نیز از این محدودیت مستثنا نیست. پیشنهاد می‌شود که برای بررسی‌های بیشتر سایر جوامع دانش‌آموزی در مقاطع تحصیلی مختلف و در سایر شهرهای کشور ایران مورد مصاحبه‌های کیفی قرار بگیرند تا نتایج بتواند با اطمینان بیشتری به‌عنوان مدل ایرانی اخلاق معرفی شود. همچنین با توجه به فقدان ابزار بومی اخلاق از دیدگاه نوجوانان، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی با استفاده از مؤلفه‌های پژوهش حاضر به ساخت این ابزار اقدام شود.

### منابع

- بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: دیدار.
- رضوی، سید مصطفی؛ اکبری، مرتضی؛ جعفرزاده، مرتضی؛ زالی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *بازکاوی روش تحقیق آمیخته*. تهران: دانشگاه تهران.
- رهنما، اکبر. (۱۳۷۲). *بررسی تحول اخلاقی نوجوانان نزهتکار و مقایسه آن با نوجوانان عادی پسر*. کارشناسی تحول. تهران: دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی. به راهنمایی: کدیور، پروین.
- شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی تحول نوجوان؛ دیدگاهی تحولی*. تهران: نشر علم.
- فرید، ابوالفضل؛ سعدی‌پور، اسماعیل؛ کریمی، یوسف؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۹). *اثربخشی روش‌های آموزش مستقیم، آموزش شناختی، شفاف‌سازی ارزش‌ها و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان*. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تبریز. ۵، ۱۹، ۱۱۱-۹۱.
- کدیور، پروین. (۱۳۹۵). *روان‌شناسی اخلاق*. تهران: آگه.
- محمدزاده، زینب؛ صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). *تبیین مفهوم نشاط و پویایی در مراکز علمی از منظر متخصصان دانشگاهی*. فصلنامه راهبرد. ۲۵(۷۹)، ۲۳-۵۶.
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ عبداللهی مقدم، مریم. (۱۳۹۵). *بررسی رابطه استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی با میانجی‌گری نظریه شناخت اجتماعی در نوجوانان*. مجله روان‌شناسی مدرسه، ۱۸۲-۱۶۷: (۲) ۵.
- Abun, D., & Magallanez, T. (2018). Universal business ethics: A challenge to multinational companies. *IJAR*, 4(9), 190-195.
- Abun, D. (2018). Moral Standards and Corporation's Moral Responsibility. *South American Journal of Management*, 1(2). PP: 1-15.

- Anderson, S. K. (2015). Morally sensitive professionals. In *Developing moral sensitivity* (pp. 188-204). Routledge.
- Aquino, K., & Freeman, D. (2009). Understanding moral functioning. *Personality, Identity, and Character: Explorations in Moral Psychology*, Cambridge University Press, New York, NY, 375-395.
- Archer, A., Price, C., & Caouette, J. (2018). The Moral Value of Compassion. *The Moral Psychology of Compassion*.
- Bader, V. (2008). Global justice in complex moral worlds. Dilemmas of contextualized theories. *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 11(4), 539-552.
- Bandura, A. (2006). Toward a psychology of human agency. *Perspectives on psychological science*, 1(2), 164-180.
- Bandura, A. (2014). Social cognitive theory of moral thought and action. In *Handbook of moral behavior and development* (pp. 69-128). Psychology Press.
- Bandura, A. (2014). Social cognitive theory of moral thought and action. In *Handbook of moral behavior and development* (pp. 69-128). Psychology Press.
- Bandura, A. (2014). Social cognitive theory of moral thought and action. In *Handbook of moral behavior and development* (pp. 69-128). Psychology Press.
- Blasi, A. (1980). Bridging moral cognition and moral action: A critical review of the literature. *Psychological bulletin*, 88(1), 1.
- Borhani, F., Abbaszadeh, A., & Hoseinabadi-Farahani, M. J. (2016). Moral sensitivity and its dimensions in Iranian nursing students. *Journal of medical ethics and history of medicine*, 9.
- Camus, R. M. (2019). Zhi 志 in Mencius: a Chinese notion of moral agency. *Asian Philosophy*, 29(1), 20-33.
- Channa, S. M. (2018). 'Being Urban' in the Context of Global Urbanization: The Case of India. *Diogenes*, 0392192117740045.
- Chaparro, M. Paula, K. Hyunji, F. A. and Malti. T. (2013). "The development of children's sympathy, moral emotion attributions, and moral reasoning in two cultures", *European Journal of Developmental Psychology*, 10:4, 495-509.
- Chen, C., Martínez, R. M., & Cheng, Y. (2018). The developmental origins of the social brain: Empathy, morality, and justice. *Frontiers in psychology*, 9.
- Clark, C. J., Bauman, C. W., Kamble, S. V., & Knowles, E. D. (2017). Intentional sin and accidental virtue? Cultural differences in moral systems influence perceived intentionality. *Social Psychological and Personality Science*, 8(1), 74-82.
- Clavien, C. (2010). An affective approach to moral motivation.
- Coelho, H., & da Rocha Costa, A. C. (2009). On the intelligence of moral agency. *Encontro Português de Inteligência Artificial*, 12, 15.
- Cowell, J. M., Lee, K., Malcolm-Smith, S., Selcuk, B., Zhou, X., & Decety, J. (2017). The development of generosity and moral cognition across five cultures. *Developmental science*, 20(4), e12403.

- Crandall, C. S., Tsang, J. A., Goldman, S., & Pennington, J. T. (1999). Newsworthy moral dilemmas: Justice, caring, and gender. *Sex roles*, 40(3-4), 187-209.
- Damon, W., & Colby, A. (2015). *The power of ideals: The real story of moral choice*. Oxford University Press, USA.
- Decety, J., & Cowell, J. M. (2015). Empathy, justice, and moral behavior. *AJOB neuroscience*, 6(3), 3-14.
- Demeter, T. (2018). Hume on moral responsibility and free will 1. In *The Humean Mind* (pp. 223-235). Routledge.
- Dubbink, W., & van Liedekerke, L. (2019). Rethinking the Purity of Moral Motives in Business: Kant Against Moral Purism. *Journal of Business Ethics*, 1-15.
- Eckensberger, L. H. (2009). Morality from a cultural psychology perspective.
- Ellemers, N., van der Toorn, J., Paunov, Y., & van Leeuwen, T. (2019). The psychology of morality: A review and analysis of empirical studies published from 1940 through 2017. *Personality and Social Psychology Review*, 1088868318811759.
- Finnigan, B. (2019). Karma, Moral Responsibility and Buddhist Ethics.
- Gilligan, C. (2014). Moral injury and the ethic of care: Reframing the conversation about differences. *Journal of Social Philosophy*, 45(1), 89-106.
- Goodale, M. (2012). Human rights and moral agency. *Human Rights: The Hard Questions*, 418-435.
- Govrin, A. (2014). From ethics of care to psychology of care: reconnecting ethics of care to contemporary moral psychology. *Frontiers in psychology*, 5, 1135.
- Haidt, J., Koller, S. H., & Dias, M. G. (1993). Affect, culture, and morality, or is it wrong to eat your dog? *Journal of personality and social psychology*, 65(4), 613.
- Han, S. S., Kim, J., Kim, Y. S., & Ahn, S. (2010). Validation of a Korean version of the Moral Sensitivity Questionnaire. *Nursing ethics*, 17(1), 99-105.
- Hardy, S. A., & Carlo, G. (2005). Identity as a source of moral motivation. *Human development*, 48(4), 232-256.
- Hart, D., Atkins, R., & Ford, D. (1999). Family influences on the formation of moral identity in adolescence: Longitudinal analyses. *Journal of Moral Education*, 28(3), 375-386.
- Harter, S. (1999). *The construction of the self: A developmental perspective*. Guilford Press.
- Held, V. (2004). Care and justice in the global context. *Ratio Juris*, 17(2), 141-155.
- Hrehová, H. (2014). Morality and justice in social life. *Studia Philosophiae Christianae*, 50(3), 7-19.
- Jacobson, S., DeVere, J., Grigg, M., Logue, M., Scarbrough, L., & Roe, M. (2019). Stability of moral traits (justice and humanity) in emerging adults: A longitudinal analysis.



- Jefferson, A. (2018). Instrumentalism about moral responsibility revisited. *The Philosophical Quarterly*, 69(276), 555-573.
- Katsarov, J., & Christen, M. (2018). Promoting the moral sensitivity of police and military personnel.
- Killen, M., & Smetana, J. G. (2013). *Handbook of moral development*. Psychology Press.
- Komenská, K. (2017). Moral motivation in humanitarian action. *Human Affairs*, 27(2), 145-154.
- Kwok, J. (2016). Moral development in a global world: research from a cultural-developmental perspective.
- Lev, O. (2012). Enhancing the capacity for moral agency. *AJOB Neuroscience*, 3(4), 20-22.
- Manea, A. D. (2019). "Patterns and Moral Values Promoted Thorough Religious Education". *The European Proceedings of Social & Behavioural Sciences*, ISSN: 2357-1330: 7-12.
- Manor, Ilan. (2016). The Moral Response, *Jewish Quarterly*, 63:4, 10-10, DOI:
- Miles, M. B., Huberman, A. M., & Saldaña, J. (2014). *Qualitative data analysis: A methods sourcebook*. 3rd.
- Miller, J. G., Goyal, N., & Wice, M. (2017). A cultural psychology of agency: Morality, motivation, and reciprocity. *Perspectives on Psychological Science*, 12(5), 867-875.
- Mohammadnazar, H., Ghanbari, H., & Siponen, M. (2019). Moral sensitivity in information security dilemmas. In *European Conference on Information Systems*. Association for Information Systems.
- Nicholson, H., Beadle, R., & Slack, R. (2019). Corporate Philanthropy as a Context for Moral Agency, a MacIntyrean Enquiry. *Journal of Business Ethics*, 1-15.
- Okano, Y. (2016). Why Has the Ethics of Care Become an Issue of Global Concern? *International Journal of Japanese Sociology*, 25(1), 85-99.
- Parola, A., & Donsì, L. (2017). "In a different voice": Gender Differences in Moral Orientation. *La camera blu. Rivista di studi di genere*, (16).
- Piaget, J. (1932). *The moral judgment of the child* (M. Worden, Trans.). London: Kegan Paul.
- Piaget, J. (2015). *The Grasp of Consciousness (Psychology Revivals): Action and Concept in the Young Child*. Psychology Press.
- Rest, J. R., Narvaez, D., Thoma, S. J., & Bebeau, M. J. (2000). A neo-Kohlbergian approach to morality research. *Journal of moral education*, 29(4), 381-395.
- Sanghera, B. (2016). Charitable giving and lay morality: understanding sympathy, moral evaluations and social positions. *The Sociological Review*, 64(2), 294-311.
- Skitka, L. J., Bauman, C. W., & Mullen, E. (2008). *Morality and justice: An expanded theoretical perspective and empirical review*. In *Justice* (pp. 1-27). Emerald Group Publishing Limited.
- Sleat, M. (2016). The value of global justice: Realism and moralism. *Journal of International Political Theory*, 12(2), 169-184.

- Snyder, S. (2017). A Problem for Intergenerational Justice: Habermas on the Ability to Alter the Future of Human Nature. *Journal of Health & Culture*, 2(1), 18.
- Spinrad, T. L., Eisenberg, N., & Bernt, F. (2007). Introduction to the special issues on moral development: part I. *The journal of genetic psychology*, 168(2), 101-104.
- Stankov, L., & Lee, J. (2016). Nastiness, morality and religiosity in 33 nations. *Personality and Individual Differences*, 99, 56-66.
- Sulistiani, W., Mustami 'ah, D., & Mahastuti, D. (2018). Gender Correlates of Moral Value in Early Childhood. In *International Conference on Emerging Media, and Social Science*. European Alliance for Innovation (EAI).
- Svensson, R., Pauwels, L. J., Weerman, F. M., & Bruinsma, G. J. (2017). Explaining individual changes in moral values and moral emotions among adolescent boys and girls: A fixed-effects analysis. *European journal of criminology*, 14(3), 290-308.
- Trommsdorff, G. (2018). "Development of Moral Values in Cultural Contexts"/ chapter. Lene Jensen (Ed.) *The Oxford Handbook of Moral Development: An Interdisciplinary Perspective*. Oxford University Press.
- Trommsdorff, G., Friedlmeier, W., & Mayer, B. (2007). Sympathy, distress, and prosocial behavior of preschool children in four cultures. *International Journal of Behavioral Development*, 31(3), 284-293.
- van Baar, J. M., Chang, L. J., & Sanfey, A. G. (2019). The computational and neural substrates of moral strategies in social decision-making. *Nature communications*, 10(1), 1483.
- Van Leeuwen, F., Koenig, B. L., Graham, J., & Park, J. H. (2014). Moral concerns across the United States: Associations with life-history variables, pathogen prevalence, urbanization, cognitive ability, and social class. *Evolution and Human Behavior*, 35(6), 464-471.
- Vanlaere, L., & Gastmans, C. (2011). A personalist approach to care ethics. *Nursing ethics*, 18(2), 161-173.
- Vanlaere, L., & Gastmans, C. (2011). A personalist approach to care ethics. *Nursing ethics*, 18(2), 161-173.
- Victoria, A. (2018). "Justice and Moral. Education National Identity". View project:
- Wisneski, D. C., Morgan, G. S., & Bauman, C. W. (2016). Moral Responsibility. *Global Encyclopedia of Public Administration and Public Policy*.
- Wolff, A., Gomez-Pilar, J., Nakao, T., & Northoff, G. (2019). Interindividual neural differences in moral decision-making are mediated by alpha power and delta/theta phase coherence. *Scientific reports*, 9(1), 4432.
- You, D., Maeda, Y., & Bebeau, M. J. (2011). Gender differences in moral sensitivity: a meta-analysis. *Ethics & Behavior*, 21(4), 263-282.